

# سر در گمی ما در راه دست یابی به صلح پایدار

علی قادری



و سرایان کشور را می کشد. اینکه یک قومندان گروه طالبان برای چندمین بار به پروسه صلح بیرون آمدن و دوباره به میدان جنگ برود، نشان بی برنامه‌ریزی و سردرگمی ماست. در چنین وضعیتی ما هر قدر قیمت دست یابی به صلح را بپردازیم، به صلح دست نخواهیم یافت.

حکومت بجای دنبال کردن پروسه صلح بهتر است دو برنامه را به صورت جدی دنبال نماید. اول: گفتگوی صلح را تبدیل به گفتگوی کابل-اسلام آباد و در نهایت کابل-اسلام آباد و دهلی نو نماید. این سه کشور باید مشکلات خود را از مجرای گفتگو حل نماید. تا زمانی که مسئله خط مرزی و مشکلات هند و پاکستان حل نگردد، گروه طالبان همچنان به عنوان ابزار برای تحقق منافع پاکستان در افغانستان وجود خواهد داشت. دوم: واقعیت سخت و دردناک این است که کشور های همسایه از شهروندان کشور برای دست یابی به منافع خود استفاده می نمایند. بنابراین، از مجرای گسترش معارف و تحصیلات آگاهی مردم خود را بالا ببریم و حس وطن دوستی و ناسیونالیسم ملی را در میان شهروندان تقویت نمائیم. تا شهروندان کشور ابزاری دست کشور های همسایه قرار نگیرد و برای ویرانی و برپایی کشور خود کمر نیندازند.

در پایان این نوشتار یک بار دیگر تأکید می کنم که گفتگو با گروه طالبان و هر گروه دیگر هیچ سودی برای حکومت و مردم افغانستان ندارد. تا زمانی که مشکلات میان کابل و اسلام و دهلی نو حل نگردد ما صلح دست نخواهیم یافت. راهی را که چندین سال پیش انتخاب کردیم و ما را به صلح رسانده است بعد از این نیز نخواهد ماند و صلح به عنوان آرمان در ذهن ما باقی خواهد ماند. بهتر آن است که با جان و مال شهروندان خود بازی نکنیم و برای دست یافتن به صلح پایدار انگاره های ذهنی خود را کنار بگذاریم و حل مشکلات مرزی با پاکستان را خیانت ملی نپنداریم. ثبات سیاسی، رشد اقتصادی تنها با حل مشکلات میان کابل-اسلام آباد و دهلی نو ممکن می گردد.

حمایت پاکستان از گروه طالبان و ناامن سازی افغانستان همین مسئله کابل می باشد. بنابراین، تا زمانی که ما ادعای یک کشور نخواهیم بود، پاکستان همچنان از گروه های دهنش افکن و مخالف مسلح دولت حمایت خواهد کرد. سوم: امروزه بر همه روشن شده است که میان گروه طالبان و حکومت پاکستان ارتباط وجود دارد. این مسئله به یک امر عادی تبدیل شده است و شاید مقامات پاکستانی هم این مسئله را انکار نکنند. پاکستان گروه طالبان را حمایت، تمویل و تجهیز می کند. اسما ما هیچ گاه از خود نپرسیده‌ایم که چرا پاکستان به دنبال یک حکومت ضعیف و یا حکومت دست نشاندۀ خود در کابل است. این سوال یا برای ما اهمیت نداشته است و یا اینکه به خاطر رویداد های غیر معقول هیچ گاه به خود اجازه نداده ایم که به این مسئله به صورت جدی بپردازیم. واقعیت این است که یکی از مهمترین و اساسی ترین دلایل

ها اظهارات حامد کرزی را جدی می گیرد. بنابراین، با وجود چنین رویکرد های نسبت به پاکستان ما هیچ گاه قادر به حل مناقزه در کشور نخواهیم بود. پاکستان همچنان از گروه های دهنش افکن و مخالف مسلح دولت حمایت خواهد کرد. سوم: امروزه بر همه روشن شده است که میان گروه طالبان و حکومت پاکستان ارتباط وجود دارد. این مسئله به یک امر عادی تبدیل شده است و شاید مقامات پاکستانی هم این مسئله را انکار نکنند. پاکستان گروه طالبان را حمایت، تمویل و تجهیز می کند. اسما ما هیچ گاه از خود نپرسیده‌ایم که چرا پاکستان به دنبال یک حکومت ضعیف و یا حکومت دست نشاندۀ خود در کابل است. این سوال یا برای ما اهمیت نداشته است و یا اینکه به خاطر رویداد های غیر معقول هیچ گاه به خود اجازه نداده ایم که به این مسئله به صورت جدی بپردازیم. واقعیت این است که یکی از مهمترین و اساسی ترین دلایل

صلح بود که پرداخته شد. اینکه پاكستان در مقابل چه کاری در راستای صلح انجام خواهد داد، گذشت زمان معلوم خواهد کرد. دوم: حلفات در بیرون از حکومت رویکرد های رادیکال و ویرانگر نسبت به پاکستان دارد. به عنوان مثال: حامد کرزی رئیس جمهور پیشین کشور وزیرستان را بخش از صلح دست نیابیم. صلح به عنوان یک آرمان باقی بماند. ادعای یک سوم خاک پاکستان به عنوان زیر سوال بردن وجود و هستی پاکستان است. چگونه انتظار داشته باشیم که پاکستان از گروه های دهنش افکن و تروریست حمایت نکند. ممکن گفته شود که دیدگاه حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور اکنون دیدگاه حکومت نیست اما فراموش نکنیم که حامد کرزی بیش از اشرف غنی رئیس جمهور بر حال کشور در چارچوب حکومت نفوذ دارد. از این جهت، پاکستانی

در هفته گذشته رئیس جمهور به اسلام آباد رفت و در نشست قلب آسیا سخنرانی کرد. گروه طالبان بر میدان هوایی قندهار حمله کرد. رحمت الله نبیل، رئیس امنیت ملی افغانستان استعفا داد. این سه مهمترین رویداد هفته پیش گذشته بود که با همیدگر پیوند نیز دارد. زمانی که رئیس جمهور به اسلام آباد رفت و آنجا سخنرانی کرد، رحمت الله نبیل در استانتوس فس بوکی از سازمان استخبارات نظامی پاکستان به شدت انتقاد کرد و گفت که آن ها عامل بی ثباتی در افغانستان است. آن ها در عین حالی که با مقامات کابل به گفتگو می نشینند از جانب دیگر از کامیونتر های خود مسئولیت حمله را به گروه طالبان نسبت می دهد. بعدا، نبیل استعفا داد و استعفا او از جانب رئیس جمهور پذیرفته شد. اول: باری رئیس جمهور گفته بود: به هر قیمتی صلح را در افغانستان می آورم. از این منظر کناره گیری نبیل قیمت صلح است که از جانب رئیس جمهور امضا شد. مسئله صلح و نقش پاکستان در روند گفتگوی های صلح قضا دارا دارد. در ماه های اخیر در گفتگو های که میان مقامات کابل و اسلام آباد صورت گرفته بود گفته می شود که یکی از خواست های مقامات اسلام آباد این بود که رحمت الله نبیل باید از سمت خود کناره برد. این یکی از پیش شرط های مهم اسلام آباد برای سهم گرفتن و آوردن گروه طالبان در پای میز مذاکره بود. پاکستان به این خاطر خواه برکناره گیری نبیل بود که او برهم زنده بازی امنیتی پاکستان در افغانستان بود. نبیل به خاطر تجربه طولانی در امنیت ملی تا حدودی قادر به پیش بینی حرکت های سازمان استخبارات نظامی پاکستان در کشور بود. او هزینه و سازماندهایی خیلی از برنامه های گروه طالبان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان را بر هم می زد. این برای پاکستانی ها غیر قابل تحمل بود. در عین حال، نبیل از جمله کسانی بود که بازی مشابه بازی پاکستان در افغانستان در پاکستان دنبال می کرد و این مسئله باپوس و حشمتناک برای مقامات اسلام آباد بود. با این حال، نبیل بخش از قیمت

## سرمقاله

### از صلح رؤیایی تا صلح واقعی

حفیظ الله ذکی

هفته گذشته رئیس جمهور برای شرکت در کنفرانس قلب آسیا شرکت کرد و در آنجا علاوه بر مذاکرات دو جانبه با مقامات پاکستان، گفتگوهای سه جانبه و چهار جانبه با اشتراک افغانستان، آمریکا و پاکستان؛ افغانستان، چین و آمریکا داشتند تا همه طرفها برای موفقیت صلح افغانستان همکاری کنند. به گفته رییس جمهور عمده ترین دستاورد این سفر این بوده که پاکستان پذیرفته است علیه گروه هایی که از شرکت در روند صلح افغانستان سر باز زنند و سلاح به زمین نگذارند، از تمام قدرت، از جمله نیروی نظامی، استفاده کند. رئیس جمهور گفت که «صلح عادلانه، پایدار و عزتمند» باید در چارچوب قانون اساسی این کشور عملی شود.

روند صلح که از هفت سال به این طرف از سوی حکومت افغانستان تعقیب شده است و میلیاردها دالر در این رابطه بدون کمترین دستاورد ملموس به هدر رفته است؛ با پیچیدگی ها و رمز و راز های کلانی مواجه بوده است. حکومت افغانستان متأسفانه هیچگاه استراتژی مشخص و جامعی را در زمینه صلح تدوین نتوانست تا در چارچوب آن پروسه صلح را به پیش ببرد. در سفر اخیر رییس جمهور به پاکستان تأکید زیاد روی استقلالیت، حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی افغانستان صورت گرفته و گفته شده است که روند صلح تحت رهبری آن به پیش برده شود. این اقدامات به معنای این است که پاکستان در آینده بر مبنای اسناد بین المللی با احترام متقابل و به گونه برابر با افغانستان برخورد کند و حق نداشته باشد که از قدرت و نفوذ خود بر گروه های مسلح مخالف دولت در راستای تضعیف و مداخلات نامشروع در افغانستان سود ببرد.

نکته مهم دیگر این است که هر دو کشور افغانستان و پاکستان باید با گروه های مختلف شورشی در افغانستان تماس بگیرند و آنها را در چارچوب مشخص به مذاکرات صلح دعوت کنند؛ چنانچه هر یک از این گروه ها به مذاکرات سیاسی راضی نشوند، حکومت های پاکستان و افغانستان مؤظف اند که در قبال این گروه ها از قدرت مشروع نظامی استفاده نمایند. اما مشکل اصلی در این راستا تشخیص تروریست ها میانه رو و تندرو است. در گذشته نیز گروه های شورشی با عناوین مختلف یاد می شدند. برادران ناراضی، مخالفان مسلح، مخالفان سیاسی، نوکر بیگانه، دشمنان مردم. در این صورت باید مشخص شود که برادران ناراضی کیستند و نوکران کشورهای خارجی و دشمنان مردم افغانستان کی هستند؟ به نظر می رسد که تفکیک میان گروه های مسلح طالبان و شبکه حقانی و سایر گروه های تروریستی کاری آسانی نخواهند بود.

مسأله دیگری که در این سفر می توان آن تکیه کرد، مذاکرات سه جانبه و چهارجانبه میان کشورهای افغانستان، پاکستان، آمریکا و افغانستان و پاکستان، آمریکا و چین است که از نظر این قلم شاید بزرگترین و مهمترین دستاورد این سفر محسوب شود.

منافع آمریکا و چین در حال حاضر در افغانستان گره خورده است و آمریکا از موضع چین در قبال افغانستان حمایت می کند. منافع چین نیز با امنیت افغانستان عجین گردیده و طرح های بزرگ اقتصادی چین در منطقه تنها با امنیت افغانستان شانس تطبیق پیدا می کند. از اینرو چین در سال های اخیر نقش فعال تری در تحولات افغانستان بازی می کند و سهم بزرگتری در پروژه های بزرگ اقتصادی می گیرد.

چین و آمریکا هر دو به پاکستان کمک اقتصادی می کنند و هر دو پاکستان را شریک استراتژیک منطقه ای خود می دانند. چنانچه منافع چین و آمریکا ایجاب کند که امنیت افغانستان و کشورهای منطقه تأمین شود، می توانند در این راستا بر حکومت پاکستان فشار بیاورند و یا آن را در منافع اقتصادی منطقه شریک بسازند، تا آن کشور نیز در مقابل در برابر هر اس افکنی موضع روشن و صادقانه در پیش بگیرد. پاکستان با توجه به نیازهای سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی که به آن دو کشور دارد، نمی تواند بر ضد منافع کشورهای چون آمریکا و چین اقدام نماید. همگرایی میان آمریکا، چین، پاکستان و افغانستان روزه جدیدی است که به سوی صلح و امنیت و کشور با می شود و مردم را نسبت به آینده امیدوار تر می سازد.

و کمک ها ضرورت دارد، کاهش آنها ممکن است این کشور را با دشواری های امنیتی و اقتصادی ناگهانی روبرو سازد. از اینرو مقامات کشور تصمیم گرفت، تا خلأ ناشی از خروج نیروهای خارجی را از طریق تقویت و گسترش مناسبات امنیتی و اقتصادی با کشورهای منطقه، جبران کند. در سال های اخیر به دلیل نیازمندی های دوجانبه افغانستان و چین و تغییرات پیچیده در روابط بین المللی و منطقه ای، دگرگونی های اساسی در سیاست های دو کشور در قبال یکدیگر پدید آمد. بر اساس همین دگرگونی حضور و نقش چین در مسائل افغانستان بر رنگ تر گردید. چین هم اکنون بسیار فراتر از نقش یک کمک کننده مالی را بازی می کند. این کشور می خواهد با افغانستان روابط استراتژیک داشته باشد و به عنوان شریک استراتژیک افغانستان، منافع سیاسی و امنیتی خود را در این کشور جستجو نماید.

چین با توانایی ها و ظرفیت هایی که از آن برخوردار است، می خواهد به ذخایر زیر زمینی افغانستان دسترسی داشته باشد و از جغرافیای افغانستان به عنوان مسیر مناسب تجاری و انتقال کالا به کشورهای آسیای میانه و برعکس بهره ببرد. چین می خواهد افغانستان دارای امنیت و ثبات سیاسی باشد و می خواهد منبع تروریسم در دو طرف مرزهای افغانستان و پاکستان از بین برده شود. چین درک کرده است تروریسمی که در خاک پاکستان آموزش می بینند، از یک سو امنیت چین را با خطر مواجه می سازد و از سوی دیگر به منافع اقتصادی چین در سطح منطقه آسیب می رساند، از اینرو این کشور با روابط نزدیکی که با پاکستان دارد و نقشی که پاکستان در ستای گسترش و یا کنترل افراط گرای بی باکی می کند، از آن کشور خواهد خواست تا در تأمین امنیت منطقه و از جمله افغانستان همکاری صادقانه داشته باشد و اراده جدی خود را در برابر هر اس افکنی به نمایش بگذارد. دور قبلی گفتگو های صلح ما به تلاش چین و همکاری پاکستان آغاز شد و اگر در آینده آمریکا و چین بخواهند می توانند پاکستان را راضی کنند تا صادقانه تر و عملی تر در راستای صلح و حاضر کردن مخالفان مسلح دولت برای مذاکره گام بردارد.

افغانستان نیز به خوبی از قدرت و توانایی چین در منطقه آگاه می باشد. افغانستان می داند که منافع چین در امنیت، ثبات پایدار و رفاه و ترقی افغانستان قابل تحقق می باشد و به این خاطر می خواهد از توانایی های سیاسی و اقتصادی چین برای پیشرفت و بهبود وضعیت اقتصادی و امنیتی کشور بهره ببرد و از نفوذ چین بر کشورهای منطقه به نفع صلح و امنیت افغانستان استفاده کند و حضور اقتصادی چین در افغانستان می تواند بخش بزرگی از نیازمندی های مالی افغانستان را نیز برطرف سازد.

## صلح و ضرورت همکاری های مشترک منطقوی و بین المللی

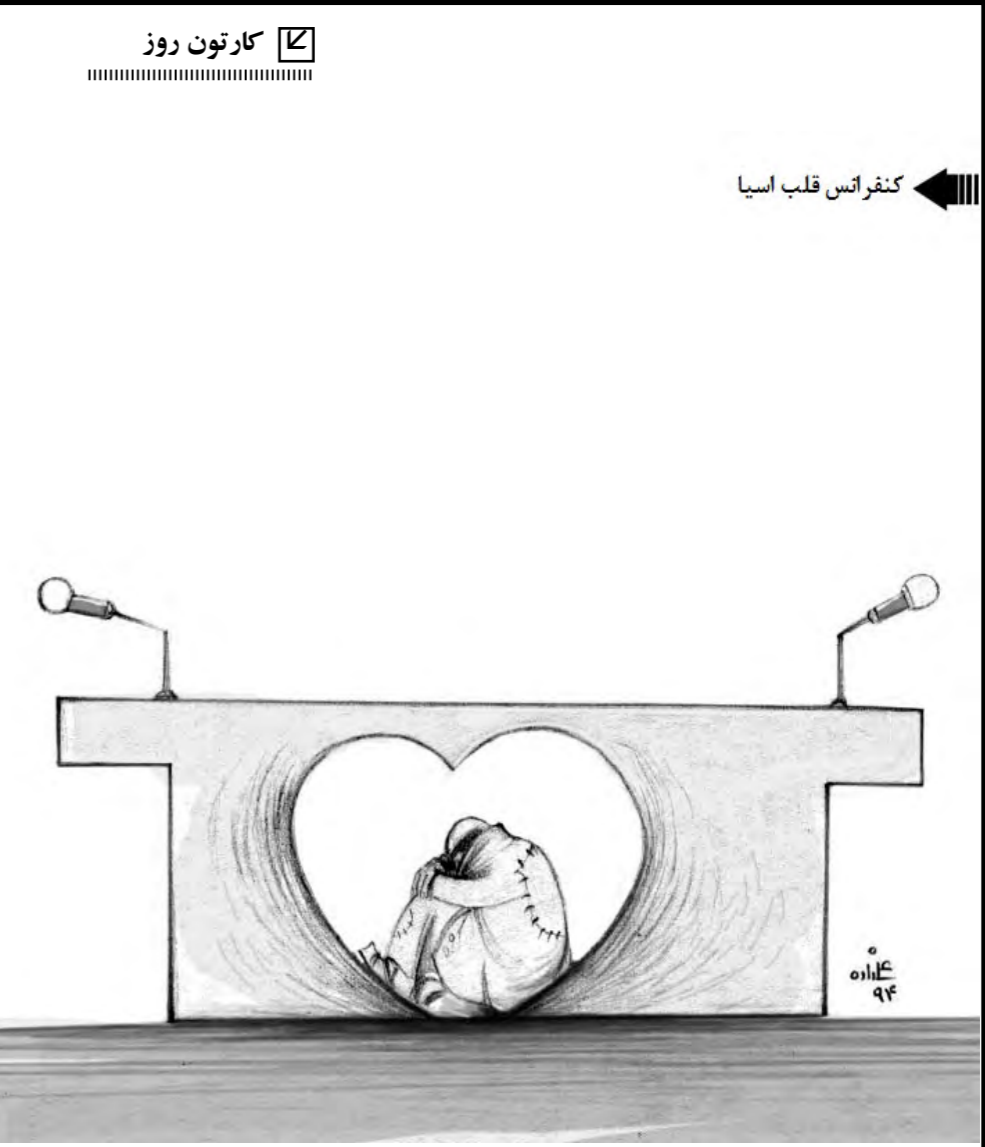
رضا رها



این مذاکره صرف نظر از نتایج آن، گامی به پیش محسوب می شود. طالبان و شبکه حقانی تاهنوز حکومت افغانستان را به رسمیت نمی شناختند و هر نوع مذاکره با حکومت افغانستان را مردود می شمردند. حال همین که این گروه به صورت مستقیم و رود رو با حکومت افغانستان وارد مذاکره شدند، نشان می دهد که کشورهای دینفوذ بر این گروه ها فشار وارد کرده اند تا با حکومت افغانستان سر میز مذاکره نشسته و فاز گفتگوهای سیاسی را برای رسیدن به یک توافق سیاسی بازنمایند. این مذاکره نشان داد که سرچشمه جنگ و صلح افغانستان را باید در خارج از مرزهای این کشور جست، تلاش های داخلی در این زمینه کارساز نیست. ولی با توجه به اختلافاتی که در عرصه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان کشورهای منطقه وجود دارد، بازی کردن نقش مثبت در سیاست های پیچیده و پر از تعارض منطقه ای نیز کار دشواری خواهد بود. رییس جمهور باید در عین حال متوجه این پارادوکس ها و حساسیت های منطقه ای نیز باشد.

از اینرو تکیه کردن روی سازمان های منطقوی و تعقیب سیاست های امنیتی در چارچوب راهبردهای این سازمان ها می تواند از یک طرف حساسیت کشورها را کاهش دهد و از سوی دیگر آنها را در طرح کلان امنیت منطقه ای و از جمله افغانستان ترغیب و تشویق نماید.

در حاشیه کنفرانس قلب آسیا حکومت افغانستان مذاکرات دوجانبه با پاکستان، سه جانبه با پاکستان و آمریکا و چهار جانبه



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیر مسوول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفیظ الله ذکی | کاریکاتورست: خالق علی زاده | دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری | مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷